

تاریخچه روزنامه نگاری در ایران

نوشین تدین طهماسبی

کارشناس ارشد کاخ موزه سبز

مقدمه :

تاریخ تمدن به تعبیری تاریخ سیرافکار و عقاید بشر است. از یک جذبه اصلی تاریخ روزنامه نگاری، تاریخ انتشار و نفوذ آگاهی های فکری است. در مدت بیش از پانصد سال، بشر متمدن با استفاده از وسایل و اختراعات علمی، مثل چاپ، تلفن و رادیو و تلویزیون، سعی کرده است با همنوع خود ارتباط پیدا کند. با به کار بردن وسایل ارتباطی اعضای مختلف جامعه انسانی کوشش کرده اند از وقایع روز با خبر شوند، عقاید خود را به همدیگر ابراز کنند، اندیشه های محیط خود را تفسیر و تعبیر نمایند و بالاخره با تسلط بر وسایل ارتباطی به پیشرفتهای فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست یابند.

نقش روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی در دوران انقلاب فرانسه، نهضت مشروطه ی ایران، تسلط هیتلر براروپا، حکمرانی موسولینی در ایتالیا بسیاری از وقایع و حوادث تاریخی غیر قابل تردید است. در تحول و انقلاب سی سال گذشته نقاط مختلف دنیا و از جمله خاورمیانه، انقلاب و پیشرفت های ارتباطی، تأثیر مستقیم داشته است. این پیشرفت ها موانع جغرافیا را در دنیای امروز تا حدی برطرف کرد. و فاصله های دور و غیر قابل تصور را به دقیقه و ثانیه مبدل ساخته است. مسافرت بشر به کره ماه مظهر و نمودار این تعدل است. امروز تئوری های ارتباطی و فنون روزنامه نگاری یکی از رشته های علوم اجتماعی عصر ما به شمار می رود و هزاران دانشمند و دانشجوی جامعه شناس و علوم سیاسی و اقتصادی در این رشته تحقیق و بررسی می کنند مطالعات و تحقیقات چند سال گذشته نشان می دهد بسیاری از برنامه های عمرانی و توسعه در آسیا و آمریکای جنوبی و حتی در اروپا و آمریکا که همراه با ارتباطات اجتماعی و فنون و تبلیغات و روزنامه نگاری نبوده بی نتیجه مانده است و فایده ی مطلوب آنها حاصل نشده. تجربیات تلخ و ناگوار تبلیغاتی و روزنامه نگاری در قسمتهای بهداشت و فرهنگ همچنین ثابت کرده است که اگر آگاهیهای تبلیغاتی و روزنامه نگاری با فرهنگ و رسوم کشور مورد ملاحظه تطبیق نکند، محکوم به شکست است و فایده یی از آنها حاصل نخواهد شد. بدین جهت است که کشورهای متری امروز و مخصوصاً ممالک در حال توسعه که برنامه های طولانی و وسیعی در بین دارند سعی می کنند نه تنها از فنون و آگاهیهای علمی و فنی و ارتباطی دنیای متمدن با خبر شوند، بلکه این وسایل را با مطالعه تمدن و رسوم خود طوری بکار برند که حداکثر استفاده در پیشرفت های ملی از آن بدست آید.

کلمات کلیدی: روزنامه-ایران-روزنامه نگاری - ارتباطات

پیشگفتار:

جالب است بدانید که اگر بخواهیم به روزنامه نگاهی تاریخی داشته باشیم می‌توانیم تا قریب به ۹۰۰ سال پیش به عقب برگردیم. در آغاز سده پنجم هجری و سلطنت سلطان محمود غزنوی در غزنین روزنامه‌ای به نام روزنامه "ایام" منتشر می‌شد. حتی نقل است که در زمان سزار، روزنامه‌ای به نام "اکتادیورنای" به طور خطی دست‌نوشته و در فرانسه اخبار ادبی "نوول لیترر" شامل افسانه‌ها و قطعه‌های نظم و نثر و قصائد ستایشگران هیات حاکم روز در دسترس مردم قرار می‌گرفت. این روزنامه‌ها در واقع کارنامه شهریار عصر را در بر داشت تا مردم آن‌ها را بخوانند و کارهای انجام شده را بدانند.

گفته می‌شود اولین روزنامه چاپی ایران، در دوره سلطنت محمد شاه قاجار تاسیس شد. روزنامه‌ای که توسط میرزا صالح شیرازی منتشر می‌شد. از سوی دیگر ارومیه را اولین شهرستانی می‌دانند که در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران صاحب روزنامه شد. وقایع اتفاقیه که گاه با عنوان نخستین روزنامه‌ی ایرانی از آن یاد می‌شود با این توصیف سومین روزنامه تاریخ ایران به سبک و شکل امروزی است که تاریخ دقیق آن برمی‌گردد به سال سوم پادشاهی ناصرالدین‌شاه یعنی ۱۱۹۰ هجری قمری. این نشریه هفتگی زیر نظر میرزا تقی‌خان امیر نظام آغاز به کار کرد.

تاریخچه روزنامه نگاری در ایران:

محققان و مورخان و گاه روزنامه نگاران ۱۷۲ سال حیات مطبوعات ایران را بر اساس دیدگاه و سلیقه خود دوره بندی کرده اند. گروهی کیفیت و عده ای کمیت را مبنای دوره بندی قرار داده اند. اما نگاهی به این گستره و سیع و بررسی مطبوعات ایران این حقیقت را نشان می‌دهد که این دوره بندی‌ها عمدتاً با آنچه بر مطبوعات گذشته است و مطبوعاتیان عرضه کرده اند سازگاری ندارد. مطبوعات در ایران ۸۹ سال عمر خود را در دوره قاجار، ۵۳ سال را در دوره پهلوی و ۳۰ سال را در دوران جمهوری اسلامی گذرانده اند. این تقسیم بندی بر اساس سه دوره اصلی: قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی تفکیک می‌شود. هشتاد و نه سال حیات مطبوعات ایران در عهد قاجار را می‌توان به هشت دوره فرعی تقسیم کرد:

۱- محمد شاه ۲- دوره ناصرالدین شاه ۳- دوره مظفرالدین شاه تا صدور فرمان مشروطیت ۴- مشروطه اول ۵- از به توپ بستن مجلس تا فتح تهران ۶- مشروطه دوم تا ۱۳۳۶ ه ق ۷- از ۱۳۳۶ ق (۱۲۹۶ش) تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش ۸- از کودتا انقراض قاجار. دوره پهلوی را می‌توان به ۱۱ دوره فرعی تقسیم کرد:

۱- از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۲ ۲- از ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۷ ۳- از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ ۴- از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷

۵- از ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ ۶- از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ ۷- از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ۸- از ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۲

۹- از ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۹ ۱۰- از ۱۳۴۹ تا اعتصاب اول مطبوعات ۱۳۵۷ ۱۱- از اعتصاب اول مطبوعات تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷.

سی سال اخیر را نیز می توان به شش دوره فرعی تقسیم کرد:

۱- از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا مرداد ۱۳۵۸ ۲- از مرداد ۱۳۵۸ تا آغاز جنگ تحمیلی
۳- دوران جنگ تحمیلی ۴- از صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل تا ۱۳۷۱ ۵- از ۱۳۷۱ تا شهریور ۱۳۷۶ ۶- از شهریور ۱۳۷۶ تا امروز.

دوره هایی که از آنها یاد شده مربوط به حیات مطبوعات در ایرانند و دوره بندی مطبوعات فارسی در خارج از ایران به سبب آنکه پیشینه ای دیرینه تر از مطبوعات ایران دارد متفاوت است. می دانیم که روزنامه نگاری فارسی از هند شروع شد و روزنامه نگاری در ایران به دنبال سفر میرزا صالح شیرازی به انگلستان پدید آمد. میرزا صالح برای تحیل روزنامه نگاری به انگلستان نرفته بود. او برای آموختن فن ترجمه به انگلستان فرستادند، اما وی از فرصت استفاده کرد و الفبای روزنامه نگاری را فرا گرفت. سفر میرزا صالح سه سال و نه ماه و بیست روز به طول انجامید. وی در حین تحصیل. پس از آن در وقت آزاد اوقات فراغت خود سود برد و دو کار انجام داد. یکی فنون چاپ، تهیه حروف و حاکی و نحوه ساختن مرکب چاپ را فرا گرفت و چاپخانه ای خرید و با خود به ایران آورد و دوم به سبب فهم اجتماعی و شناخت از اوضاع دردناک آن روز ایران و اعتقادش به بنیادهای مدنیت جدید به ضرورت انتشار مطبوعات در ایران پی برد و پس از بازگشت نشریه ای بینام که مشهور به کاغذ اخبار شد بنیاد نهاد. وی پس از سه سال نشریه داری به عنوان مسئول وصول مطالبات دولتی به کار گرفته شد و پس از آن اثری از وی به جای نماند. به طوری که معلوم نیست پس از آن چه کرده، در کجا اقامت داشته و در چه تاریخی به دیار ابدی رفته است.

روزنامه بی نام میرزا صالح مشهور به کاغذ اخبار- از سال ۱۲۵۳ ق تا ۱۲۵۶ ق در دوران حکمرانی محمد شاه انتشار یافت و پس از آن تا آغاز دوره ناصری نشریه ای در ایران منتشر نشد.

در دوره ناصری نخست روزنامه (اشعه روشنایی) در ارومیه طبع شد و پس از آن روزنامه نگاری فارسی به اهتمام میرزا تقی خان امیرکبیر پا گرفت و به دنبال وی دیگران نیز این راه را ادامه دادند. در طول قریب به پنجاه سال روزنامه نگاری در دوره ناصری چندین روزنامه نگار در داخل و خارج از کشور به فعالیت های مطبوعاتی اشتغال داشتند.

مطبوعات داخلی در عهد ناصری دولتی بودند و تا دوره مظفری که گشایشی در فضای مطبوعاتی بوجود آمد و برای نخستین بار به بخش خصوصی مجوز انتشار نشریه ادواری داده شد. کسی نتوانست مجوز انتشار نشریه بگیرد.

بعضی از دولتمردان ایران در عهد ناصرالدین شاه که عمدتاً مناصبی مهم در دستگاه دولتی داشتند در سال ۱۲۸۷ ق علاقمند به انتشار نشریه شدند. ناصرالدین شاه با پیشخدمت و مترجم مخصوص خود

در این باره مشورت کرد. نتیجه شور این دو برقرار اداره روزنامجات دولت علیه دارالطباعة ممالک محروسه و دارالترجمه دولتی را در پی داشت. با وجود این اداره نه تنها علاقه مندان صاحب منصب موفق به کسب مجوز انتشار نشریه شدند بلکه تمام نشریه های دولتی نیز تعطیل شدند و این گونه مقرر شد که برای ((نظم انطباعات)) فقط یک روزنامه به مدیریت رییس اداره روزنامجات و دارالطباعة منتشر شود. دیری نپایید بنابر دلایلی ((نظم مقرر)) بر هم خورد و بر تعداد مطبوعات دولتی افزودند. درخواست های خارجیان مقیم ایران و اقلیت های مذهبی برای انتشار نشریه های غیر فارسی و ... موجب شد که تشکیلات (دارالطباعة)) گسترش پیدا کند تا جایی که در اوایل سال ۱۳۰۰ ق رسماً نام ((وزارت انطباعات)) بر آن نهادند. ناصرالدین شاه مهری به وزیر انطباعات سپرد و دستور داد که هر آنچه در ایران طبع می شود باید ممهور به این مهر باشد. این وزارت خانه در حدود ربع قرن در ایران حیات داشت، سیزده سال در عهد ناصری و دوازده سال در عهد مظفری. در این بیست و پنج سال سه نفر عهده دار وزارت انطباعات شدند: محمد حسن خان صنیع الدوله (بعدها اعتماد السلطنه) ، محمد باقرخان اعتماد السلطنه - دو بار قبل و بعد از وزارت محمد ندیم السلطان (ندیم باشی) - و محمد ندیم السلطان. سیزده سال نخست عمده فعالیت این وزارت خانه تلاش در جهت گسترش مطبوعات دولتی و جلوگیری از ورود نشریه های فارسی زبان چاپ خارج از کشور بود. با انتساب محمدباقر خان و آغاز دوران حکومت مظفرالدین شاه دوره دیگری از حیات این وزارتخانه آغاز شد: مطبوعات دولتی تنوعی بیشتر پیدا کردند و به بعضی از افراد مجوز انتشار نشریه دادند. این دوره تا انتساب محمد ندیم السلطان در ۱۳۲۱ ق ادامه داشت. با انتساب او به وزارت انطباعات در حقیقت دوره سوم فعالیت این وزارتخانه شروع شد. چندی از انتساب وی نگذشته بود که مظفرالدین شاه به همراه جمعی از سران آن روزگار به اروپا رفت. در آن مدت محمد ندیم السلطان از فشار بر مطبوعات کاست و بعضی از آنچه در دل داشتند نوشتند. مراجعت مظفرالدین شاه و مشاهده اوضاع او را بر آن داشت تا ندیم السلطان را عزل و مجدداً محمد باقر خان اعتماد السلطنه را به وزارت انطباعات منصوب کند. چندی نگذشت که مظفرالدین شاه به امضای فرمان مشروطیت گردن نهاد و پس از آن مرگش فرا رسید. هنوز یک ماه از حاکمیت محمد علی شاه نگذشته بود که تشکیلات اداری دگرگون شد. در این دگرگونی وزارت انطباعات برای همیشه منحل شد و وظایف آن را به دو اداره تابعه وزارت علوم و معارف واگذار کردند.

پس از صدور فرمان مشروطیت در ایران و رواج فعالیت های مطبوعاتی روزنامه نگاران درباره شیوه نظارت بر مطبوعات با وزیر علوم جلسه ای تشکیل دادند که سرانجامی پیدا نکرد. به چوب بستن افصح المتکلمین مدیر روزنامه خیرالکلام توقیف مساوات، حسب المتین، روح القدس، صور اسرافیل و فریاد، محاکمه محترمانه میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر روزنامه صور اسرافیل در اداره جراید وزارت معارف، درخواست وزیر عدلیه از وزیر انطباعات وزارت معارف در مورد محدودیت مطبوعات، محاکمه سلطان العلماء خراسانی مدیر روزنامه روح القدس در محکمه جنایی تهران و حمله به دفتر

روزنامه ها در تهران ارمنان سال ۱۳۲۵ ق و احضار سید محمدرضا در نشریه مساوات به عدلیه ،
اعتراض روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات به توقیف قبل از محاکمه تصویب قانون مطبوعات و موضع
گیری های برله و علیه آن. دستگیری ، زندان و تبعید روزنامه نگاران ، تویف نشریات وشهادت شیخ
احمد تربتی (سلطان العلما خراسانی) مدیر روح القدس و میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر صور
اسرافیل از جمله رویدادهای سال ۱۳۲۶ ق بود.

به طور کلی آنچه پس از فرمان مشروطیت تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش بر مطبوعات و روزنامه
نگاران گذشت توقیف های مکرر مطبوعات به ویژه به امر درباریان و سفارتخانه های روس و انگلیس ،
دستگیری ، محاکمه ، حبس ، شلاق ، ترور و اعدام بسیاری از مطبوعاتیان بود.

با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ روزنامه نگاران نخستین گروهی بودند که هدف هجوم واقع شدند و
نشریاتشان طبق ماده ۴ بیانیه کودتا تعطیل شد و خیلی عظیم از آنان دستگیر شدند.

از کودتا تا انقراض قفاجار جمعی از روزنامه نگاران برای جلوگیری از استقرار دیکتاتوری مرارتنها
کشیدند و رنج ها بردند جمعی محاکمه شدند عده ای کتک خوردند و چندین تن جان بر سر قلم
نهند.

تشکیل اداره اطلاعات نظمییه برای کنترل و سانسور مطبوعات آتش سوزی دفتر روزنامه ها ، ممنوعیت
خواندن روزنامه در ادارات، سرنوشت نشریه نسیم شمال و سید شریف الدین حسینی گیلانی تاسیس
اداره راهنمای نامه نگاری در وزارت کشور ، هجوم ماموران شهربانی به دفاتر روزنامه ها و حبس
روزنامه نگاران صدور دستور هیات وزیران به وزارت معارف در مورد بازرسی روزنامه ها و مجله ها ،
ترور عشقی و قتل فرخی، تعطیل نشریات بنابر پافشاری سفارتخانه ها و کنسولگری های روس و
انگلیس و ... از جمله رویدادهای مطبوعاتی در دوره پهلوی اول است.

با خروج پهلوی اول از ایران حدود دو دهه دیکتاتوری چکمه پایان پذیرفت و فضایی برای اهل قلم
پدید آمد . مستقل ، چپ ، راست و ... همه شروع به فعالیت کردند . از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲
مطبوعات فراز و فرودهایی پی در پی داشتند و روزنامه نگاران مشقت هایی فراوان دیدند. توقیف کلیه
نشریه ها و بازداشت عده ای از روزنامه نگاران در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ، تصویب لایحه حبس روزنامه نگاران
و توقیف نشریات در هیات دولت و ارائه آن به مجلس شورای ملی ، درخواست فرمانداری نظامی

تهران از وزارت فرهنگ در مورد توقف اعطای امتیاز روزنامه ، محاکمه و دستگیری دست اندرکاران
مطبوعات و ضرب و شتم و قتل روزنامه نگاران و حمله به چاپخانه ها و غارت نشریه ها ، صدور دستور
وزیر فرهنگ به اداره نگارش این وزارتخانه مبنی بر ((منع دخالت کارمندان دولت به امور

مطبوعاتی)) ، اعتصاب غذای روزنامه نگاران و فشار پی در پی از ویژگی های این دوران است که با
ترور ناموفق محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۷ این فشارها تشدید شد. درگیریهای مدیران مطبوعات چپ
گرا و راست گرا و تشکیل گروههای مطبوعاتی که نه تنها تقویت کننده نبودند بلکه تضعیف کننده
جامعه مطبوعاتی از درون بودند ، مشکلات را مضاعف کرد. مطبوعات اگر کاریکاتور استالین را چاپ

می کردند سفارتخانه روس برای توقیف نشریه بسیج می شد و اگر از پیر استعمار چیزی می نوشتند سفارت انگلیس مدعی بود و برای تعطیل نشریه پای می فشرد. نسیم آزادی هم که وزیدن گرفت غیر مطبوعاتیان برای اجرای مقاصد خود به این حرفه روی آوردند و داستان در مجموع به جایی رسید که به کودتای مرداد ۱۳۳۲ منجر شد.

پس از کودتا نشریات عمدتاً توقیف شدند و فهرست نشریات مجاز از سوی شهربانی انتشار یافت گروهی از انتشاراتی ها به زندان افتادند و گروهی دربدر شدند. جمعی نیز خود را با وضع به وجود آمده وفق دادند.

مطبوعات ایران در آن دوره مثل همه ادوار خود و مثل همه صنوف انواع و اقسام آدم ها را در خودداشت. هم کسانی که جان بر سر قلم باختند و هم کسانی که از کودتا خوشحال شدند. در ۲۵ سال از فاصله ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ حاکمیت با استفاده از دلارهای نفتی و تطمیع گروهی قلیل سعی در جریان سازی در مطبوعات ایران داشت.

در کنار مطبوعات حرفه ای و انتشار مجله های وزین و فرهتگی و به رغم حضور گروهی کثیر افراد پاکدامن، نیک صفت، و سالم دستگاه با استفاده از عده ای قلیل تلاش کردند تا ژورنالیسم مبتذل را هم رواج دهد. انتشار چند مجله ضعیف محصول آن دوران است و نباید این مجله را به حساب کل طبوعات آن دوره گذاشت. این دوره، دوره رواج نشریات زیرزمینی و پنهانی در ایران و مطبوعات فارسی زبان علیه حاکمیت داخلی در خارج از کشور بود. با تشکیل ساواک این محدودیت ها روزافزون شد و از هر فرصتی رژیم برای سرکوب مطبوعات و روزنامه نگاران استفاده می کرد. توقیف یکباره ۹۱ نشریه در سال ۱۳۴۲ و ۶۴ نشریه در سال ۱۳۵۳ نمونه ای از برخوردهای رژیم با مطبوعات بود. گردانندگان رژیم از سال ۱۳۵۳ بیش از پیش تصور کردند که تثبیت شده اند و می خواستند برای همیشه خود را از شر مطبوعاتیان خلاص کنند. از مهان سال پس از توقیف ۶۴ نشریه شروع به ممنوع القلم کردن نویسندگان مطبوعات کردند که اوج آن ممنوع القلم شدن ۲۲ تن در سال ۱۳۵۵ بود. از جمله کارهای دیگر دستگاه این بود که به رفتگران شهرداری دستور دادند به بهانه سد معبر بساط روزنامه فروشان تهران را خرد کنند.

در سال ۱۳۵۶ که خفقان از حد برون شد یکصد تن از نویسندگان، خبرنگاران و مترجمان مطبوعات کشور در مورد فشار و سانسور حاکم بر مطبوعات اطلاعیه ای دادند. این اطلاعیه تقریباً با فصلی نوین در تاریخ ایران مصادف شد و روزنامه نگاران به تدریج وارد مرحله ای دیگر از حیات حرفه ای خود شدند. این مرحله از فصل پایانی ۱۳۵۶ آغاز شد و تا اعتصاب مطبوعاتیان و پس از آن تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ادامه یافت. در این دوره بیانیه ها و اطلاعیه های متعددی از سوی نویسندگان، خبرنگاران و خبرنگاران عکاس در پشتیبانی از انقلاب صادر شد. طبقه آسیب پذیر مطبوعات طعم تلخ فقر را چشیدند و با قرض امور خانوادگی خود را گذراندن ولی اجازه کار کردن در آن فضا را به خود ندادند و اعتصاب کردند. رژیم در همان موقع به مهره های کاشته شده خود در مطبوعات دستور داد چند

نشریه منتشر کنند تا خلاء پر شود. افراد دیگری نیز از آن فضا استفاده کردند و مطبوعه هایی را انتشار دادند اما مردم توجهی نشان ندادند و این نشریات اقبال عامه نیافتند. رژیم موقعی که با مقاومت مطبوعاتیان مواجه شد چند تن از روزنامه نگاران را حبس کرد اما نتیجه بخش نبود. در همان سال به ماموران دستور دادند به صفوف خریداران روزنامه حمله کنند. یورش ماموران شهادت چهار نفر از خریداران روزنامه را در پی داشت. رژیم در آخین نفس های خود به هر کاری دست زد ولی موفق نشد جلوی موج مردمی را بگیرد. به ناچار از در مصالحه در آمد و نزدیک به پیروزی انقلاب گردانندگان رژیم به خیال خود برای جبران گذشته به وزارت اطلاعات و جهانگردی دستور دادند فرمان ممنوعیت ممیزی در مطبوعات را صادر کند. این کار را هم کردند ولی دیگر اثر نداشت و انقلاب به پیروی رسید.

روزنامه‌های دولتی و ملتی:

در سال ۱۲۷۷ هجری قمری که میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی ملقب به صنیع‌الدوله بر انتشارات دولتی و طبع روزنامه‌نگاری نظارت داشت روزنامه وقایع اتفاقیه پس از ۳ سال انتشار با نام جدید "دولت علیه ایران" شروع به فعالیت کرد. روزنامه "دولت علیه ایران"، روزنامه‌ای مصور بود که در آن تصاویر بزرگان مملکت، درباریان و شاهزادگان با دقت زیاد به چاپ می‌رسید. خود این نشریه بعد از مدتی انتشار به "روزنامه دولتی" تغییر نام داد. انتشار این روزنامه تا سال ۱۳۲۴ قمری تحت عنوان ایران ادامه داشت و بعد از مدتی وقفه در سال ۱۳۲۹ قمری با نام روزنامه رسمی دولت ایران منتشر شد.

در سال ۱۲۸۳ هجری قمری روزنامه دیگری به نام روزانه ملتی در تهران انتشار یافت. منظور از واژه "ملتی" نشان دادن تمایز آن روزنامه از روزنامه دولتی بود. نخستین نشریه روزانه (یعنی روزنامه به معنی واقعی کلمه) در ایران به نام خلاصه الحوادث در سال ۱۳۱۶ قمری در تهران منتشر شد این روزنامه چهار صفحه‌ای بود و اخبار خبرگزاری رویترز را که به قصد هندوستان مخابره می‌شد بازتاب می‌داد.

روزنامه‌های وطن و طلوع نیز از دیگر روزنامه‌های مهم منتشر شده تا پیش از مشروطیت هستند. بعد از استقرار مشروطیت چهار روزنامه به نام‌های "مجلس"، "ندای وطن"، "جبل‌المتین" و "صبح صادق"، هر روز در ایران منتشر می‌شد.

دوران مشروطه:

در دوره مشروطیت بیداری افکار عمومی به سرعت و شدت اوج گرفت و روزنامه‌ها نفوذی عظیم و سهم مهمی در تجدید حیات اندیشه‌های مردم داشتند. از روزنامه‌های مهم دوره مشروطیت که تأثیر زیادی بر افکار عمومی داشتند می‌توان به "صور اسرافیل" و "ایران نو" اشاره کرد. در پی اعلام فرمان مشروطیت تعداد و تیراژ مطبوعات افزایش زیادی یافت همانطور که شمارگان روزنامه "مساوات" که از جراید مهم و مؤثر انقلاب مشروطه شمرده می‌شد به ۳ هزار، روزنامه "صور اسرافیل" به ۵ هزار، روزنامه "مجلس" به تدریج از ۷ هزار به ۱۰ هزار و روزنامه "انجمن ملی" به ۵ هزار نسخه رسید. به هنگام صدور فرمان مشروطیت تنها ۲۰ روزنامه و نشریه در ایران منتشر می‌شد اما در پی اعلام این فرمان و در مدت زمان مانده از سال ۱۳۲۴ قمری، ۹۲ نشریه شامل ۶۴ عنوان در تهران، ۹ عنوان در اصفهان، ۶ عنوان در تبریز، ۴ عنوان در همدان، لاهیجان و ارومیه هر کدام دو عنوان و کرمانشاه، شیراز، مشهد، بندر انزلی و شهر ری هر کدام یک عنوان منتشر می‌شد.

رویدادهای مهم مطبوعات در دهه بیست و اوایل دهه سی:

اما بخشی از مهم ترین رویدادهای مطبوعات از آغاز سال ۱۳۲۱ تا پایان سال ۱۳۳۲ را می‌توان در نکات ذیل جست و جو کرد:

۱۳۲۱: ارائه لایحه دو ماده ای وزارت فرهنگ برای مطبوعات به مجلس شورای ملی، اصلاح قانون مطبوعات، انتشار نشریه مشعل: ناشر افکار کارمندان روزنامه اطلاعات، تشکیل اتحادیه مطبوعات و....

۱۳۲۲: استیضاح دولت سهیلی به دلیل توقیف مطبوعات، درخواست فرمانداری نظامی تهران از وزارت فرهنگ در مورد "توقف اعطای امتیاز روزنامه"، فروش روزنامه باختر در بازار سیاه به علت توقیف

۱۳۲۳: اعلام موجودیت اتحادیه خبرنگاران ایران، تاسیس باشگاه جراید، تشکیل جبهه استقلال، توقیف موردی ده‌ها نشریه، درگیری مدیران مطبوعات

۱۳۲۴: اوج اختلافات مدیران مطبوعات تهران، تاسیس هیات متولفه مطبوعات، توقیف موردی مطبوعات، قتل احمد کسروی

۱۳۲۵: برگزاری نخستین کنگره نویسندگان ایران، تشکیل انجمن روزنامه نگاران ایران، اتحادیه مطبوعات ایران، سندیکای چاپخانه داران ایران، پذیرش عضویت اتحادیه مطبوعات ایران در سازمان بین المللی روزنامه نگاران

۱۳۲۶: اعتصاب کارگران چاپخانه بانک ملی، برگزاری نمایشگاه گراور در ایران، تشکیل جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری و جبهه مطبوعات مبارز ملی

۱۳۲۷: استیضاح دولت هژیر به علت توقیف غیر قانونی مطبوعات، اصلاح آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، گردهم آیی جمعی از روزنامه نگاران در هتل ریتس تهران

۱۳۲۸: بازداشت دکتر جوانمرد به جرم انتشار روزنامه جوانمرد امروز، محاکمه مدیران نشریه های صدای وطن و هور

۱۳۲۹: اجتماع گروهی از مردم در میدان بهارستان تهران در اعتراض به عدم آزادی مطبوعات، تشکیل اتحادیه ملی مطبوعات

۱۳۳۰: آتش سوزی دفتر روزنامه های آتش، بسوی آینده، سیاسی، طلوع، فرمان، نوید آزادی و...، تشکیل انجمن روزنامه نگاران دمکرات، جبهه مطبوعات متحد ایران، جبهه مطبوعات متفق ایران

۱۳۳۱: اعتراض جامعه روزنامه نگاران خوزستان به لایحه مطبوعات، تشکیل اتحادیه مطبوعات فارس، جامعه روزنامه نگاران ملی، جبهه روزنامه نگاران مبارز راه آهن، تعیین اعضای هیات منصفه مطبوعات

۱۳۳۲: تصویب لایحه قانونی مطبوعات، برگزاری کمیسیون لایحه قانون مطبوعات در تهران در منزل دکتر مصدق، توقیف نشریه ها، حبس و تبعید روزنامه نگاران پس از کودتای ۲۸ مرداد، تشکیل رسیدگی به مندرجات روزنامه های تهران

روزنامه های عصر ناصری :

وقایع اتفاقیه: دومین روزنامه فارسی زبان است که در ایران منتشر می شد. روزنامه "اخبار دارالخلافه تهران" با همت میرزا تقی خان امیرکبیر در سال ۱۲۲۹ هجری شمسی (۱۲۶۷ هجری قمری) منتشر شد و از شماره دوم به "وقایع اتفاقیه" تغییر نام داد. وقایع اتفاقیه دومین روزنامه فارسی زبان است که پس از ۱۴ سال از انتشار "کاغذ اخبار" در ایران منتشر شد.

امیرکبیر درباره این روزنامه گفته است: عوام نمی دانند که مصرف و حسن این وقایع اتفاقیه در چیست؛ یا خیال می کنند که دیوانیان عظام شروع به این کرده اند به جهت منافع و مداخل. لکن این طور نیست و نباید باشد. این اخبار چیزی است. این ها به جهت تربیت خلق است و اینکه این ها از امور دیوانی و اخبار و مناسبات دول و منافع خاص و عام و مقتضیات عصر عالم باشند؛ و اینکه تا روزی که من هستم نمی شود که این اطلاع به عامه نرسد. این روزنامه منصبی نیست که به کسانی که از دیوان اعلی اسامی ایشان تعیین

شده، به این‌ها برسد و به دیگران نرسد. در صفحه نخست این روزنامه، تصویر شیر و خورشید با جمله "یا اسدالله الغالب" به شیوه‌ای خاص طراحی شده بود که واژه الله بالای شیر قرار می‌گرفت.

هرچند انتشار وقایع اتفاقیه در راستای اهداف امیر کبیر برای انجام تغییراتی بنیادین به منظور گام برداشتن در مسیر پیشرفت بود اما وی کمتر از یک سال بعد به دستور ناصرالدین شاه به قتل رسید و از آن پس اداره روزنامه به اعتماد السلطنه، مترجم دربار و رئیس اداره انطباعات ناصرالدین شاه سپرده شد.

از نظر محتوای روزنامه شامل اخبار داخلی، خبرهای مربوط به پایتخت (اخباردارالخلافه)، دربار و سفرهای ناصرالدین شاه، عزل و نصب‌ها و اعطای مقام‌ها، نشان‌ها و امتیازات، اعلام‌های رسمی دولتی که در ورقه‌ای جداگانه چاپ و ضمیمه روزنامه تحت عنوان اشتهارنامه توزیع می‌شد.

در برخی شماره‌ها اخبار ولایات شامل اخبار و رویدادهای شهرستان‌های ایران به چاپ می‌رسید. در بخش اخبار خارجی، بیشتر اخبار مربوط به دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی و مقالات آنها اختصاص داشت که با ترجمه روان فارسی در روزنامه منتشر می‌شد.

اولین آگهی بازرگانی در مطبوعات ایران تحت عنوان "اعلان" در شماره شش این روزنامه منتشر شد. در بیشترین شماره‌های روزنامه، صورت قیمت اجناس مورد نیاز مردم به نرخ رسمی دولتی نیز به چاپ می‌رسید و در برخی از شماره‌های آن اعلان فروش کتاب‌های تازه چاپ شده هم منتشر می‌شد.

این روزنامه به خبرهای مربوط به کودکان و نوجوانان هم عنایت فراوانی داشت. از جمله آن می‌توان به انتشار مستمر و پیوسته اخبار مدرسه دارالفنون (که دانش آموزان آن نوجوان بودند)، گزارش‌های بیماری‌های کودکان و آبله کوبی، خبرهای پیرامون کودکان فرنگی، گزارش‌هایی مربوط به حوادث کودکان، کودکان بزهکار و حتی اخبار و آگهی‌های کتاب کودک اشاره نمود. وقایع اتفاقیه در شماره اول با نام اسدالله الغالب چاپ شد.

روزنامه دولت علیه ایران: در سال ۱۲۷۷ قمری که میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی ملقب به صنیع الدوله بر انتشارات دولتی و طبع روزنامه‌نگاری نظارت داشت روزنامه^۱ وقایع اتفاقیه پس از ۳ سال انتشار (از شماره ۴۷۲) با نام جدید دولت علیه ایران شروع به فعالیت کرد. افزون بر تغییر نام، تغییر و تحولات دیگری نیز در این روزنامه به چشم می‌خورد که شاخصترین و مهمترین آن، اضافه شدن تصاویر بدان بود. بر این اساس، روزنامه دولت علیه ایران نخستین روزنامه مصوری است که در تاریخ ایران انتشار یافته‌است و در آن تصاویر بزرگان مملکت، درباریان و شاهزادگان با دقت زیاد به چاپ می‌رسید. روزنامه دولت علیه ایران، تا شماره ۶۶۸ آن، که در تاریخ هفتم شوال ۱۲۷۸ هجری قمری منتشر شد، به انتشار خود ادامه داد و از آن پس تعطیل گردید.

روزنامه دولتی: روزنامه دولت علیه ایران به « روزنامه دولتی » تغییر نام داد و تا سال ۱۳۲۴ قمری فعالیت داشت.

روزنامه ملتی: در سال ۱۲۸۳ هجری قمری روزنامه دیگری به نام روزنامه ملتی در تهران انتشار یافت. منظور از واژه «ملتی» نشان دادن تمایز آن روزنامه از روزنامه دولتی بود.

روزنامه علمیه دولت علیه ایران؛ اولین شماره روزنامه علمیه دولت علیه ایران در دی ماه سال ۱۲۸۴ هجری قمری و با مدیریت اعتمادالسلطنه منتشر شد. این روزنامه که معمولاً در ۶ صفحه انتشار می‌یافت، مطالب خود را به سه زبان فارسی، عربی، فرانسه ارائه می‌نمود. درونمایه و محتوای مطالب روزنامه علمیه دولت علیه ایران بسیار جالب و متنوع بود و بیشتر به تشریح پیشرفتهای شایان توجه و سرسام آور علوم و فنون و صنایع در ممالک اروپایی اختصاص داشت و مخاطبین خویش را قدم به قدم با این پیشرفتهای آشنا می‌نمود. بخش دیگری از محتویات این روزنامه که نخستین نشریه علمی تاریخ مطبوعات ایران لقب گرفته است، به مباحث علمی بویژه در زمینه نجوم و هیئت می‌پرداخت و همچنین مسائل ذوقی و ادبی نیز از جمله دیگر درونمایه‌های این نشریه به حساب می‌آمدند. انتشار روزنامه علمیه دولت علیه ایران در شماره ۵۸ این نشریه و به تاریخ شوال ۱۲۸۸ هجری قمری خاتمه یافت و از آن پس این نشریه برای همیشه تعطیل شد.

روزنامه رسمی دولت ایران: انتشار روزنامه دولتی تا سال ۱۳۲۴ قمری تحت عنوان ایران ادامه داشت و بعد از مدتی وقفه در سال ۱۳۲۹ قمری با نام روزنامه رسمی دولت ایران منتشر گردید.

روزنامه شرف: روزنامه شرف در سال ۱۳۰۰ قمری توسط محمدحسن خان منتشر می‌شد. در هر شماره از روزنامه تصویر یکی از بزرگان مملکت با مختصر شرحی از او طبع گردیده است. از این روزنامه ۸۷ شماره به چاپ رسید و آخرین آن در اوایل ۱۳۰۹ قمری بود. ویژگی شرف در زیبایی هنری آن است. خوش نویسان و نقاشان آن از سرآمدان این دو هنر در عصر خود بودند.

روزنامه مرآت السفر و مشکوه الحضر: روزنامه مرآت السفر در سال ۱۲۸۸ قمری توسط صنیع الدوله انتشار می‌یافت. روزنامه سیار در عهد ناصری روزنامه «مرآت السفر» است که البته از شماره سوم به روزنامه «مرآت السفر و مشکوه الحضر» تغییر نام پیدا کرد. نخستین شماره این روزنامه با عنوان روزنامه مرآت السفر در ربیع الاول ۱۲۸۸ قمری (۱۲۵۰ شمسی) در سلطنت آباد تهران و سیزدهمین شماره آن در جمادی الاول ۱۲۸۸ قمری در همان جا انتشار یافت. ۱۱ شماره دیگر این نشریه _ از شماره دوم تا دوازدهم- در محل های «اتراق» در راه سفر مازندران و بازگشت به تهران طبع و توزیع گردیده است. مدیریت این نشریه را «رئیس کل دارالطباعة ممالک محروسه ایران، محمد حسن» که ابتدا صنیع الدوله و بعد ها اعتماد السلطنه لقب گرفت عهده دار بود. نام و امضای او در پایان صفحه دوم شماره های مختلف آن

آمده است. هر شماره روزنامه مرآت السفر (و بعدها روزنامه مرآت السفر و مشکوه الحضر) در دو صفحه منتشر می شد.

روزنامه وطن: در سال ۱۲۹۳ قمری، میرزا حسین خان سپهسالار به یاری یک مهندس بلژیکی به نام بارون دو نرمان یک روزنامه به دو زبان فارسی و فرانسه به نام وطن LA Patrie انتشار داد. در نیمه دوم سلطنت ۵۰ ساله ناصرالدین شاه، مطبوعات منتقد بروز و ظهور پیدا کردند. «وطن» که در چنین شرایطی به عرصه مطبوعات پا گذاشت، بیشتر ناشر افکار افرادی مثل سپهسالار بود. سپهسالار را شاید بتوان پس از امیرکبیر دومین اصلاح طلب بزرگ عصر ناصری دانست. او که طرفدار اصلاحات بود از رفاه عمومی و ریشه کردن فساد دفاع می کرد.

سپهسالار اعتقاد داشت که ایران باید خودش را به پیشرفت‌های غرب برساند و بتواند از آنها بهره گیرد. روزنامه «وطن» که در همین راستا شعار «ترقی، عدالت و مساوات» را برای خود انتخاب کرده بود نتوانست بیش از یک شماره دوام آورد و گویا ناصرالدین شاه ادامه حیات این روزنامه را به مذاق خود خوش نمی بیند و در نتیجه از ادامه انتشارش ممانعت می کند.

روزنامه اطلاع: یکی از روزنامه های نیمه رسمی دولتی که در زمان ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۸ قمری تاسیس شده و توسط مجیرالدوله مستوفی مدتی انتشار یافته، روزنامه اطلاع است. روزنامه اطلاع یک روزنامه سیاسی به معنای آنروز بوده و برای کسانی که بخواهند از اوضاع سیاسی و حوادث اروپا و آمریکا و به طور کلی از اتفاقات نیم قرن کشورهای جهان اطلاع حاصل کنند بهترین مجموعه و مدرک می باشد.

روزنامه های عصر مظفری:

روزنامه تربیت: روزنامه تربیت در ۱۳۱۴ قمری در چاپخانه سنگی دولتی منتشر گردید. روزنامه گاه در چهار صفحه و گاه در هشت صفحه منتشر می گردید. مدیر این روزنامه میرزا محمدحسین خان فروغی (ذکاءالملک) است که از بزرگ ترین دانشمندان عصر قاجار می باشد. نامبرده روزنامه تربیت را به طریقی بسیار جذاب و با مطالبی شیوا منتشر می ساخت. چاپ این روزنامه، نفیس، خوش خط و با کاغذ مرغوب بود. این روزنامه اولین روزنامه آزاد ایران محسوب می گردد. آخرین شماره روزنامه در تاریخ ۱۳۲۵ قمری با شماره ۲۳۴ منتشر و توزیع شد و به مدت ۹ سال انتشار یافت.

روزنامه شرافت: نخستین روزنامه جدید دولتی که در دوره مظفری به چاپ رسید شرافت بود. روزنامه شرافت جانشین روزنامه شرف است که در دوره ناصری در تهران انتشار می یافت. می توان این روزنامه را نشریه ای خبری - متنوع معرفی کرد. در عین حال، اهمیت روزنامه مورد بحث در وهله نخست مربوط به نقاشیها و خط زیبای آن است. نخستین شماره شرافت در صفر ۱۳۱۴ و آخرین آن در شوال ۱۳۲۱ منتشر

شد. در مجموع ، ۶۶ شماره از این روزنامه به طور نامنظم انتشار یافت. شرافت ، مانند دیگر روزنامه های دولتی ، زیر نظر وزیر انطباعات منتشر می شد.

روزنامه خلاصه الحوادث: نخستین نشریه روزانه (یعنی روزنامه به معنی واقعی کلمه) در ایران به نام خلاصه الحوادث در سال ۱۳۱۶ قمری در تهران منتشر شد این روزنامه چهار صفحه‌ای بود و اخبار خبرگزاری رویترز را که به قصد هندوستان مخابره می‌شد بازمی‌تاباند. این روزنامه همه روزه به استثنای روزهای یکشنبه و جمعه منتشر می شد. انتشار این روزنامه در زمان مظفرالدین شاه صورت می گرفت. مندرجات این روزنامه خلاصه عمده وقایع و اخبار جهان بود و جزء نشریه های دولتی به حساب می آمد.

روزنامه ادب: روزنامه ادب که به مدیریت ادیب الممالک شاعر و نویسنده در سال ۱۳۱۸ قمری تاسیس و منتشر شده سه دوره مختلف را طی کرده است و مدتی در تبریز و زمانی در مشهد و چندی در تهران انتشار یافته است. روزنامه ادب از حیث مندرجات مفید یکی از بهترین جراید فارسی است و علاوه بر مقالات مفید و متنوع، قسمت اعظم اخبار داخله و خارجه در آن درج است.

آموزش روزنامه نگاری در ایران:

در سال ۱۳۱۷ دوره آموزش روزنامه نگاری به شکل آکادمیک در ایران نخستین بار توسط روزنامه اطلاعات و دانشکده حقوق و مدیریت دانشگاه تهران برگزار شد . سید فرید قاسمی، پژوهشگر مطبوعات درباره نخستین دوره های آموزش روزنامه نگاری در ایران و سیر آن در دهه های بعدی می گوید: بنگاه روزنامه نگاری به عنوان اولین مرکز آموزش روزنامه نگاری، پس از برگزاری یک دوره و به دنبال رویدادهای شهریور ۱۳۲۰ برپیده شد. دهه ۲۰ نیز بیشتر به هم اندیشی صنفی سیاسی گذشت تا به آموزش. دهه ۳۰ رقابت مطبوعاتی سبب توجه به مقوله آموزش روزنامه نگاری شد. مدیر وقت کیهان به همراه مدیر اتحاد ملل و دیگران به فکر برگزاری دوره هایی در دانشگاه تهران افتادند و مدیر روزنامه اطلاعات هم ۳ دوره کارآموزی ۲ ماهه برای جذب نیروهای مستعد برگزار کرد. کوشش دانشگاهی آموزشی به دانشگاه تهران و موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی در دهه ۴۰ ختم می شود. بیشترین دوره های کوتاه مدت را در آن دهه روزنامه اطلاعات و مجله توفیق برگزار کردند. در دهه ۵۰ دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی متولی دانشگاهی آموزش بود و وزارت اطلاعات و جهانگردی بیشتر دوره های کوتاه مدت را برگزار کرد.

در قلمروی ادبی:

محمد رضا شفیعی کدکنی در کتاب "با چراغ و آینه" می نویسد: "در دوره اول آدوره بعد از صدور فرمان مشروطیت تا حدود کودتای [۱۲۹۹] مجلاتی که از منظر مباحث ادبی و نشر ترجمه شعرهای خارجی بیشترین سهم را داشته اند، تقریباً عبارتند از مجله بهار اعتصام الملک و مجله دانشکده، مجله دانش، مجله

ادب، ایرانشهر، وفا، دبستان و کاوه، که بیش و کم در این راه کوشش‌هایی داشته‌اند، بعضی بیشتر و بعضی کمتر".

از این زمان تا کودتای ۳۲ می‌توان از نشریات مهم دیگر ادبی مثل ارمغان، مهر، سخن، مردم، پیام نو، روزگار نو، جهان نو و ... نام برد، و بعد از کودتا نیز نشریات مهم دیگری ظهور کردند از جمله صدف، علم و زندگی، جنگ هنر و ادب و اندیشه و هنر.

خبرنگاری به سبک امروز:

به نظر می‌رسد با ظهور یک رقیب جدید و بانگیزه این فضا در سال‌های اخیر کمی دستخوش تغییر شده باشد؛ شهروند خبرنگاران. امروز روزنامه نگاری رقیب جدی دارد به نام شبکه‌های مجازی. امروز افراد بسیاری هستند که با استفاده از ابزارهای زندگی دیجیتال می‌توانند به راحتی از هر اتفاقی که در محیط زندگی‌شان می‌افتد فیلم، عکس یا نوشته تهیه کنند و در میلیون‌ها سایت و وبلاگ و در معرض دید هزاران مخاطب قرار دهند. به نظر می‌رسد این رقیبان با انرژی و انگیزه که برای به دست آوردن مخاطب با یکدیگر و رسانه‌ها رقابت می‌کنند رقیب سرسختی برای رسانه‌ها از جمله روزنامه‌ها و نشریات باشند. آنها دیگر بیشتر علاقه‌مندند به جای این که مخاطب رسانه‌ها باشند، خودشان مخاطب داشته باشند یا به جای خواندن نقد و تحلیل نشریات روی مسائل مختلف، خودشان در شبکه‌های اجتماعی به بحث و نقد و تبادل نظر امور جاری بپردازند.

شاید انگیزه و هیجان این قشر به خاطر سهیم شدن در اتفاقات جامعه‌ای که خود عضوی از آن هستند و وقایع آن را درک می‌کنند باعث شود در این کار موفق باشند اما باید دید این قشر که نه تحصیلات آکادمیکی دارند و نه عموماً یا لزوماً آموزش فنون خبرنگاری را دیده‌اند و صرفاً از روی تجربه دست به این کار می‌زنند در آینده تا چه حد می‌توانند به رقیبی جدی برای نشریات و دیگر رسانه‌ها تبدیل شوند.

روزنامه نگاری ایران:

مطالعه تاریخ ارتباطات و روزنامه نگاری هر کشوری اولین قدم توسعه و گسترش بیشتر دانش و علوم ارتباطات اجتماعی آن کشور است. تنها پس از بررسی عمیق در سیر افکار و عقاید عمومی و چگونگی پیدایش و تکامل روزنامه نگاری یک ملت است که می‌توانیم بطور عاقلانه از دانستنیهای ارتباطی دنیای صنعتی برای آن ملت استفاده کنیم. تقلید چشم بسته از سیستم ارتباطی و روزنامه نگاری و تلویزیونی ملل دیگری بی مطالعه امکان هماهنگی آنها با فرهنگ و تاریخ و ارتباطات خودمان نتایج ناگوار و زیان باری

خواهد داشت. هدف کتاب حاضر اینست که ما را به تاریخ روزنامه نگاری و سیر تکامل ارتباطات اجتماعی ایران، از آغاز تا عصر کنونی آشنا کند. امید است که این بتواند اولین تحقیق و تدوین جامع و علمی در تاریخ روزنامه نگاری ایران باشد. در نیم قرن گذشته تحولات روزنامه نگاری و فنون چاپ و غیره در ایران مورد بحث و گفتگو نویسندگان مختلف خارجی و ایرانی بوده است و جزوه ها و مقالات متعددی در باره بازیگران عرصه ی روزنامه نگاری ایران نوشته شده، ولی تا به امروز کتابی که تاریخ روزنامه نگاری ایران را به صورت جامع و کامل بررسی کند به رشته تحریر درنیامده است. از این جهت مآخذ و منابع مؤلفان این رشته در ایران فقیر و نسبت به سایر رشته های تاریخ تمدن ایران عقب مانده است. با این وصف در پنجاه سال اخیر، تحقیقات پراکنده با ارزشی انجام شده که بی آنها امروز مطالعه ی تاریخ روزنامه نگاری ایران مشکل بود.

اولین جزوه که در ایران راجع به روزنامه نگاری و مطبوعات منتشر شد به قلم اچ.ل.رابینو در رشت بود. این جزوه در ۲۹ صفحه تحت عنوان «صورت جرائد ایران جرائدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است، در چاپخانه عروه الوثقی در سال ۱۹۱۱ میلادی چاپ شد. مقدمه این جزوه را که از چند صفحه تجاوز نمی کند محمد رضا پس از اسماعیل رشتی نوشته است و رابینو در صفحه های بعد اسم و شرح خیلی مختصری از ۲۴۳ روزنامه فارسی که تا آنروز در ایران و خارج چاپ شده بود به ترتیب الفبا ذکر کرده است. ترجمه جزوه رابینو در سال بعد در ۱۹۱۳ میلادی در مجله (جهان مسلمان ص ۳۱۵-۲۸۷) در پاریس منتشر شد در سال ۲۳ مه ۱۹۱۳ میلادی پروفسور ادوبرون در دانشگاه کمبریج انگلیس نطقی راجع به تاریخ روزنامه نگاری ایران ایراد کرد که بعد ما به صورت جزوه یی کوچک در لندن به چاپ رسید. سخنرانی پروفسور برون و جزوه ی ابتدایی او مرهون جزوه و مطالعات رابینو در ایران بود و دانشمند انگلیسی در نوشته های بعدی خود به این مطلب اعتراف می کند. در همین سالها پروفسور برون که مشغول مطالعه و تحقیق در ادبیات و تاریخ ایران بوده، علاقه ی فوق العاده به تاریخ روزنامه نگاری ایران و مخصوصاً تأثیر آن در ادبیات و شعر فارسی پیدا می کند و در سال ۱۹۱۴ میلادی کتاب «مطبوعات و شعر در ایران نو» را منتشر می سازد. این کتاب به دو قسمت اصلی تقسیم شده است:

۱- تاریخ چاپ و روزنامه نگاری در ایران مخصوصاً روزنامه های انقلاب مشروطه

۲- شعرای معاصر نهضت آزادی خواهی.

پروفسور برون در این کتاب پس از چند صفحه مقدمه ی مختصر که راجع به فن چاپ و شروع «روزنامه نگاری در ایران نوشته، قسمت اعظم مطالعات خود را به ذکر نام نشریه، نام مدیر و سردبیر و نویسندگان و محل چاپ ۳۷۱ روزنامه و مجله ی فارسی اختصاص داده است. قسمت مهمی از مطالعات پروفسور برون راجع به مطبوعات ایران در حقیقت ترجمه و نتیجه تحقیقات دانشمند ایرانی میرزا محمدعلی خان تربیت تبریزی است. محمد علی خان تربیت تحقیقات بسیار جالبی در باره فن چاپ و روزنامه های دوره ی مشروطه انجام داده بود ولی موفق به چاپ نوشته های خود نشد و فقط به اهتمام پروفسور برون بود که مطالعات او به صورت مرتبی در کتاب «مطبوعات و شعر در ایران نو» منتشر گردید.

پروفسور برون در سایر نوشته های خود از جمله «انقلاب ایران»، «دوتاریخ ادبیات ایران» گاهگاهی به مطالعه ی توسعه و نقش مطبوعات در ایران پرداخته است و مخصوصاً در نوشته های دوره ی نهضت مشروطه، اهمیت روزنامه نگاری و روزنامه نگاران را در پیشرفتهای اجتماعی و سیاسی ایران معاصر بررسی می کند: نوشته های پرارزش پروفسور برون مأخذی قابل اعتنا در تحقیقات مطبوعات ایران و مخصوصاً دوره های اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. ولی نوشته های «برون» و تحقیقات او در باره معرفی فن چاپ در ایران و انتشار روزنامه های ابتدایی و بطور کلی وضع ارتباطات و روزنامه نگاران ایران در نیمه اول قرن نوزدهم، چندان عمیق نیست. مثلاً تاریخچه ی روزنامه نگاری ایران در نوشته های پروفسور برون از زمان صدارت امیرکبیر شروع می شود و هیچگونه اشاره یی به نویسندگان و روزنامه نگاران و روزنامه های پیش از ناصرالدین شاه، خصوصاً دوره محمدشاه و فتحعلی شاه نکرده است و با این که اولین روزنامه ایران توسط میرزا صالح شیرازی (که مدتها در انگلستان اقامت داشته) در زمان محمد شاه در تهران منتشر شده و نسخه های آن به لندن فرستاده شده است و حتی نسخه شماره ی اول آن به طور کامل در مجله ی سلطنتی آسیایی انگلستان به سال ۱۸۳۹ در لندن به چاپ رسیده بود و نوشته های پروفسور برون نشان می دهد که او از وجود چنین روزنامه هایی باخبر نبوده است و تحقیقات وی در این مورد ناقص است.

تا پایان جنگ دوم بین المللی نوشته های پروفسور برون تنها تاریخچه قابل توجهی بود که در باره ی روزنامه نگاری ایران به چاپ رسیده بود. با اینکه در سالهای بین جنگ اول و دوم بین المللی مقالات متعددی در باره مطبوعات ایران در تهران و اروپا منتشر شد، این نوشته ها اطلاعات مهمی بر آگاهیهای روزنامه نگاری و مطبوعات ایران اضافه نکرده است و غیر از چند مقاله جالب توجه در مجله کاوه چاپ برلین که توسط سیدحسن تقی زاده و همکاران او منتشر می شد، تاریخچه جدیدی در این مورد نوشته نشد. چند مقاله ای که در مجله کاوه در باره روزنامه نگاری ایران منتشر شد، از این جهت مهم است که این مجله برای اولین باز احتمال وجود روزنامه را قبل از سلطنت ناصرالدین شاه متذکر شده است و اطلاعات جدیدی راجع به معرفی چاپخانه در جلفای اصفهان و فعالیت گروه آرامنه ایران بدست داده. کامل ترین لیست روزنامه ها و مجلات ایران (از عصر امیرکبیر تا آغاز جنگ بین المللی دوم) توسط محمد صدرهاشمی بین سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ شمسی (۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳) در اصفهان منتشر شد. صدرهاشمی نیز مثل رابینو، تربیت، پروفسور برون فصل اول «تاریخ جراید و مجلات ایران» خود را به تاریخچه روزنامه نگاری و فن چاپ ایران در ایران و باقی فصول چهار جلوی کتاب را به معرفی ۱۱۸۶ روزنامه و مجله چاپ شده در ایران اختصاص داده است. کتاب صدرهاشمی در حقیقت دائرةالمعارف و راهنمای خوبی برای مطبوعات ایران است که به صورت الفبایی تنظیم شده.

چنانچه پیداست جزوات و کتاب های منتشره درباره مطبوعات و روزنامه نگاری ایران تا این تاریخ بطور عام به ذکر نام به نشان و شرح مختصر روزنامه ها اختصاص داده شده است و هیچگونه کوشش و اهمیتی که تاریخ روزنامه نگاری را بطور کامل و علنی مطالعه و بررسی کند به عمل نیامده. با وجود اهمیتی که روزنامه و روزنامه نگاری در انتشار عقاید جدید دو تاریخ معاصر ایران و به ویژه در انقلاب مشروطه ایران و آگاهیهای فکری سالهای بعد در ایران داشته ، قبل از کتاب حاضر تاریخچه جدید و کاملی که نقش ارتباطات و

روزنگاری را در امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران بررسی کند، نوشته نشده است. علاوه بر این آنچه راجع به روزنامه نگاری، در دسترسی علاقه مندان تاریخ ایران هست ناقص و ناصحیح است. مثلاً توسط پروفیسور برون و سایر نویسندگان خارجی و ایرانی، «وقایع اتفاقیه» اولین روزنامه ایران ذکر شده است و آغاز روزنامه نگاری ایران در کتب درسی و تاریخی از زمان صدارت امیرکبیر و سلطنت ناصرالدین شاه شروع می شود.

آن عده از نویسندگان هم که سالهای بعد بطور پراکنده به وجود روزنامه و انتشارات قبل از وقایع اتفاقیه اشاره کرده اند، تیر به تاریکی انداخته اند و از نشریه بی نام نبرده اند و فقط متذکر شده اند که نسخه ای از این روزنامه باقی نیست. در سال ۱۳۴۲ شمسی مطابق با ۱۹۶۳ میلادی مطالعات و تحقیقات نگارنده راجع به تاریخ روزنامه نگاری ایران در دو جلد در آمریکا منتشر شد. قسمتی از جلد اول این کتاب به پیدایش فن چاپ و روزنامه نگاری در ایران اختصاص داده شده است که در آن به تفضیل تاریخ پیدایش و متن کامل روزنامه های قبل از وقایع اتفاقیه را تدوین و وجود انتشار روزنامه بی را که توسط میرزا صالح شیرازی در زمان محمدرضا شاه منتشر می شد ذکر کرده ام. در اواخر همین سال بود که تحقیق و مطالعه در روزنگاری ایران مرا به انگلستان کشید و موفق شدم دو نسخه اصلی روزنامه بی را که میرزا صالح شیرازی منتشر کرده بود در موزه ی بریتانیا در لندن کشف کنم. در آبانماه ۱۳۴۲ مقامات موزه بریتانیا اجازه عکس برداری و انتشار این دو نسخه اصلی را برای من صادر کردند و عکس متن کامل دو شماره را برای اولین بار به تهران آوردم. سردبیر نگارنده در روزنامه های کیهان و سالها بعد، اشتغال به تدریس در دانشگاه های آمریکا فرصت نداد کتاب تاریخ روزنامه نگاری ایران را که به انگلیس نوشته شده بود به فارسی ترجمه کنم. خوشبختانه آگاهیهای جدید از تاریخ روزنامه نگاری ایران چند آن از نویسندگان ایران را به اکتشاف آثار تازه علاقه مند کرد و دو سال بعد مقاله ای راجع به اولین روزنامه ایران را به قلم علی مشیری در شماره ۲۴ سال ۱۳۴۵ مجله ی خواندنیها منتشر شد.

در سالهای اخیر مطالعات نویسندگان مثل دکتر محمد اسمائیل رضوانی، مسعود برزین و اسمائیل رائین نکات بسیار جالب توجهی به تاریخ روزنامه نگاری ایران اضافه کرده است. کتاب «سفرنامه میرزا صالح شیرازی که در سال ۱۳۴۷ در تهران منتشر شد نمونه خوبی در این رشته به شمار می رود. می توان گفت که امروز راه تحقیق برای پژوهندگان هموار شده است.

بنیاد ارتباطات اجتماعی در ایران:

تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی در ایران نه فقط باید از جنبه ی تاریخ اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد، بلکه از جنبه طبیعت تاریخی نیز باید ملاحظه و بررسی شود. تاریخ روزنامه نگاری هر کشور تنها نتیجه ی اقدام و کوشش دسته ی برجسته و اشخاص معین و مشخص نیست، بلکه حاصل جریان تاریخی است که اعضای مختلف جامع در آن شرکت دارند اغلب بی آنکه اثر مداوم آنها در ظاهر به چشم آید به توسعه و تکامل وسایل اجتماعی و ارتباطی و از جمله روزنامه نگاری نو کمک می کنند. تاریخ روزنامه نگاری

و ارتباطات اجتماعی و ارتباطی و از جمله روزنامه نگاری نو کمک می کنند. تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران از تاریخ تمدن کشور ما جدا نیست. در عصری که انقلاب ارتباطات، دانشجویان علاقه مند به تاریخ ارتباطات و تمدن ایران باید بیش از همه گذشته کشور خود را مطالعه و بررسی کنند و مخصوصاً پیشرفته‌ها و نقش رهبری ایران را در اختراع و توسعه شاهراههای تجارتي، سیستم حمل نقل و بست، دریانوردی و مخابرات، کتاب نویسی و نقشه کشی، مأخذ مطالعات تطبیقی قرار دهند و به طبع تاریخ ارتباطات اجتماعی خود پی ببرند.

در این فصل فرصت بسان و تشریح پیشرفت های محصول تمدن سلسله های پادشاهی ایلام و هخامنشی و ساسانی و غیره نیست و پیشرفت ارتباطات اجتماعی در ایران باستان در حقیقت تاریخ مخصوص به خود دارد که توسط دانشمندان داخل و ایران شناسان خارجی به تفصیل بیان شده است. ولی قبل از تاریخ آغاز روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی کنونی ایران، بررسی تحول و توسعه ی دو عامل مهم-«پیدایش صنعت کاغذ» و «بنیاد خبرنگاری در ایران»- ضروری به نظر می رسد.

پیدایش کاغذ در ایران:

پیدایش کاغذ، سرفصل فن چاپ و انتشار کتاب و روزنامه نگاری است. درست است که پیش از آن آثار مهم بزرگان و دانشمندان و شعرای دنیا و نیز مکاتبات و محاسبات و قراردادهای، روی پوست حیوانات و نباتات نوشته و پخش می شود، ولی اختراع و پیدایش کاغذ بود که وسیله جدید و بزرگی د توسعه دانش و اطلاعات و اخبار در آسیا و اروپا بوجود آورد و کشورهایی که به این صنعت فرهنگی دست پیدا کردند، توانستند آثار علمی و ادبی و اجتماعی خود را بطور منظم و آسان بین جامعه و همسایگان خویش پخش کنند و رونق دهند. مورخان عقیده دارند در سال ۱۰۵ میلادی صنعت تولید کاغذ در چین اختراع شد و در قرن بعد به سایر نقاط آسیا و سرانجام آسیا و سرانجام به اروپا راه پیدا کرد.

سمرقند اولین شهر ایران بود که در سال ۷۵۱ میلادی صنعت کاغذسازی در آن رواج یافت و بعد از آنکه اعراب نقاط مختلف آسیای جنوبی ترکمنستان کنونی را تسخیر کردند، صنعت کاغذ به سایر نقاط امپراتوری اسلام توسعه پیدا کرد. در حقیقت در اواسط قرن هشتم میلادی در جریان هجوم اعراب به ماوآالنهر و استانها شمالی ایران، عده یی از زندانیان چین که امیر اعراب شدند، به تولید کاغذ در سمرقند پرداختند. و از آن به بعد کاغذ سازی در شهرهای دیگر ایران دایر شد. و این صنعت از طریق ایرانیها به سایر نواحی دنیای اسلام و از این رهگذر به قاره اروپا انتقال یافت. تاریخ پیدایش صنعت کاغذ در نقاط ذیل خط سیر توسعه این وسیله مهم ارتباطی را و نیز نقشی را که ایران و آسیا در آن دانسته اند به خوبی روشن می سازد: چین-۱۰۵ میلادی، ترکستان-۱۵۹ میلادی، تورمان-۳۹۹ میلادی کشمیر-۶۰۰ میلادی، سمرقند ۷۵۱ میلادی، بغداد-۷۹۳ میلادی، مصر-۹۰۰ میلادی، مراکش-۱۱۰۰ میلادی، اسپانیا ۱۱۵۰ میلادی، ایتالیا-۱۲۷۰ میلادی، آلمان-۱۳۹۰ میلادی، انگلیس-۱۳۹۴ میلادی، آمریکا-۱۶۹۰ میلادی. جالب توجه اینجاست که صنعت کاغذسازی موقعی در سمرقند رواج پیدا کرد که ایرانیها بنه کمک خاندان عباسی،

حکومت بنی امیه را سرنگون ساختند و نفوذ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود را در بدن اسلام توسعه دادند. در حقیقت نفوذ ادبی و سیاسی ایرانیها از آغاز خلافت عباسی(د ۷۵۰ میلادی) با توسعه صنعت کاغذسازی، انقلاب فرهنگی بزرگی در خاورمیانه بوجود آورد و توسعه تمدن ایران و اسلام در قرن بعدی مرهون این آمیزش تاریخی است. سمرقند با امکانات وسیع و قدرت تولیدش شهر بزرگ بازرگانی بود و ماواءالنهر که سمرقند یکی از شهرهایش بود، مرکز پرورش شعرای بزرگ ایران گردید و کتابخانه های متعددی در آنجا دایر شد. صنعت کاغذسازی که در این دوره ی منحصر به ایران و اعراب بود باعث شد آثار علمی و فلسفی و ادبی ایرانیها و دنیای اسلام از سمرقند گرفته تا بغداد و مصر توسعه پیدا کند و بالاخره راه خود را به اروپا و کشورهای مثل اسپانیا بگشاید. سمرقند و نواحی این شهر به علت آب و هوای ملایم و رواج کشت کتان و شاهدانه که لازمه صنعت کاغذ بود، مدتی طولانی مرکز بخش این وسیله ارتباطی و فرهنگی باقی ماند. در دوران خلافت هارون الرشید عده ی زیادی از متخصصان کاغذسازی این شهر به بغداد منتقل شدند و از آن پس بغداد و دمشق مرکز تولید و تقسیم صنعت کاغذ سازی قلمرو خلفا شد. با تولید کاغذ ، صنعت کتاب سازی در ایران پیدا شد. تاریخ نویسان تکامل خط «کوفی» را توسط ایرانیان مرهون توسعه صنعت کاغذ می دانند. در قرن یازده میلادی صنعت کاغذسازی در ایران، نه تنها در سایر نقاط اسلامی بلکه در دنیای آن روز بی نظیر بود. توسعه این هنر و صنعت سبب شد که قسمت مهمی از آثار ادبی و هنری ایران در خاورمیانه و آفریقا و اروپا پخش شود، و صنعت کاغذ و فن کتاب سازی، تغییرات مهمی در گسترش عقاید سیاسی و اجتماعی طبقات مختلف آن زمان بوجود آورد. نسخه های گرانقیمت کتاب «قابوسنامه» و شاهنامه فردوسی، و دیگر متن های معتبر فارسی در موزه های مختلف دنیا نشانی از اثرات فوق العاده ی این رشته از وسایل ارتباطی است که توسط ایرانیها تأسیس و تکمیل شده است.

وقایع نویس و خبرنگاری:

پیشرفت وسایل ارتباطی و توسعه صنعت و کاغذ و کتاب سازی در ایران سبب شد در دوره ی حکومت خلفای عباسی و بعدها در دوره ی فرمانروایی سامانها و تیموریها؛ شغل وقایع نویس و خبرنگاری در دربار و ادارات دولتی همچنین بین انسانها و فرماندارانها رواج پیدا کند. مثلاً در اواخر حکومت خلفای عباسی خبرنگاران آن زمان که به «صاحب البرید» معروف بودند، اخبار وقایع مهم مملکتی را در روزنامه های خصوصی که در چندین نسخه محدود تهیه می شد، نوشته برای حکمرانان مختلف می فرستادند. از جنبه توسعه و رواج شغل وقایع نویسی سلسله ی تیموری دوره ی بسیار مهمی بشمار می رود. حکمرانان تیموری برای اولی بار در تاریخ ایران، سمت وقایع نویس را در ادارات و استان های مختلف به رسمیت شناختند و شاهان این دوره اشخاص بسیار مطلع و نویسندگان برجسته دولتی را به این سمت منصوب کردند. وظیفه ی وقایع نویسندگان دوره تیموری این بود که مرتب خبر و تفسیر امور شهری و مملکتی را به فرمانداری ها و مرکز خبر دربار تیموری گزارش می دادند و بطوری که مورخان ایرانی و خارجی ذکر کرده اند تصمیمات بزرگ مملکتی و سیاست کشوری مبتنی و متکی بر اخبار و گزارشهایی بود که وقایع نویسان و خبرنگاران تیموری به پایتخت می فرستادند. در اوایل قرن چهاردهم میلادی، حکمران معروف، غازان خان، فرمانروای مغول گاهگاهی روزنامه های دیواری منتشر و در شهرهای مختلف پخش و نصب می کرد. این گونه روزنامه

های دیواری معمولاً فرمانها غازان خان و دستور های دولتی بین مردم و رعایای کشور می بود و مخصوصاً در جاهایی که مالیات از طرف مأموران دولت دریافت می شد، اخبار مقدار مالیات سالانه در روزنامه های دولتی منتشر می گردید تا اهالی هر شهر و ده از مقررات آگاهی یابند و صاحب منصبان کشوری نتوانند مالیات اضافه و غیر قانونی به مردم تحمیل کنند. مقام «وقایع نویسی» که از زمان تیموریان در ایران رونق یافت به مدت چندین قرن در واقع تا پیدایش صنعت چاپ در ایران ادامه پیدا کرد. این شغل مخصوصاً در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی در حکومت صفویه در امور دولتی نقش بسیار مهمی داشت جهانگرد معرف یی پترودلواله که در زمان سلطنت شاه عباس به ایران مسافرت کرده است در سفرنامه خود ذکر می کند وقتی شاه عباس در میدان عمومی اصفهان نطق می کرد، گزارش سخنرانی او توسط وقایع نویسان نوشته شده در کاغذهای منظم در نقاط مختلف شهر به دیوار نصب می شد تا مردم از آن آگاهی یابند.

عنوان وقایع نویس و سمت او در دوره حکومت صفویها (۱۵۲۰ تا ۱۷۳۶ میلادی) چنان رونق یافت که دوره های مختلف حکمرانی شاهان این سلسله، وقایع نویس در تمام جلسات دولتی که تصمیمات مهم سیاست داخلی و خارجی گرفته می شد، شرکت نموده گزارش جامع آن را برای پخش و اطلاع اشخاص و گروه های مختلف ثبت می کرده است.

به این ترتیب عنوان وقایع نویس در ممالکی که زبان فارسی زبان رسمی و دولتی به شمار می رفت رواج پیدا کرد و سمت خبرنگاری حوادث و تصمیمات مهم مملکتی مورد حمایت و تشویق حکمرانان مختلف قرار گرفت. مثلاً در هند که زبان فارسی تا قرن هجدهم میلادی زبان رسمی و دولتی به شمار می رفت، وقایع نویسان به صورت خبرنگاران کنونی، تصمیمات و حوادث مملکتی را برای اعضای دولت و طبقه مهم مملکتی جمع آوری کرده و در آثار مختلف که به روز نامه های کوچک امروزی شباهت داشت ثبت می کرده اند.

ابوالفضل دکنی تاریخ نویس معروف به دوره ی حکمرانی اکبرشاه در هند، در کتاب «آیین اکبری» به تفضیل راجع به نقش وقایع نویس دوره سلطنت اکبرشاه در هند صحبت کرده و وظایف خبرنگاری او را شرح می دهد. تاریخ نویس دیگری به نام خافی خان در کتاب خود به نام «منتخب الباب» گزارش می دهد. روزنامه های کوچک فارسی توسط وقایع نویسان در هند منتشر می شد، اخبار مملکتی را به مردم اطلاع می داد و در واقع که نسخه های این گونه روزنامه ها به همه مردم نمی رسید، واقع نویسان دیگر نسخه آن را هر هفته در مسجد جامع برای مردم می خواندند. در سال ۱۸۲۸ میلادی جیمز تاد سرهنگ انگلیسی در حدود صد نسخه از روزنامه های کوچک فارسی را که توسط وقایع نویسان هند منتشر شده بود و به دوران حکومت مغولها در هند تعلق داشت به انجمن سلطنتی آسیایی در لندن فرستاد شرح و محتویات این خبرنگارها در مجله انجمن سلطنتی آسیایی به سال ۱۹۰۸ میلادی مفصل چاپ شده است. سمت و عنوان وقایع نویس تا اواسط حکومت قاجار در جلسات مختلف درباری و دولتی و عمومی رواج داشته است و به رسمیت شناخته می شود. مثلاً در دوره سلطنت فتحلی شاه (۱۷۹۷ تا ۱۸۲۴ میلادی) در میان وزراء، علما و رؤسای مختلف مملکتی که در «مجلس شاه» همیشه حضور داشتند، شاعر دربار، وقایع نویس و وزراء از جمله حاضران بودند. تاریخ

نویسان ایرانی و خارجی در نوشته های خود از اهمیت این دو پست مهم: شاعر دربار، وقایع نویسی روز، در حکومت فتحعلی شاه صحبت کرده اند.

تولد روزنامه به مفهوم امروزی آن:

اما انتشار روزنامه و به عبارت بهتر تولد روزنامه به مفهوم امروزی آن در سال ۱۶۵۰ در لایپزیگ آلمان و با انتشار اینکومند زایتونگن (Einkommende Zeitungen) صورت گرفت.

اینکومند زایتونگن ۶ روز در هفته منتشر می شد، چهار صفحه داشت و ابعاد آن حدود ۳۱/۵ در ۱۷ سانتی متر بود. اگرچه انتشار روزنامه ها در آغاز از نظر تعداد چشم گیر نبود، اما آلمانی زبان ها به حدی که بخواهند بخوانند، روزنامه در اختیار داشتند. در پایان قرن هفدهم حدود هفتاد روزنامه آلمانی زبان در آلمان منتشر می شد که کمی بیشتر از کل روزنامه های منتشره در بقیه اروپا در آن دوران بود. این روزنامه ها که تیراژی در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نسخه داشتند، توسط ۲۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر خوانده می شدند. از آن جا که همه مردم قدرت خرید روزنامه نداشتند، روزنامه خوانی در آن دوره یک تجربه مشترک بود و علاوه بر این، یک سوم جمعیت قادر به خواندن و نوشتن بودند. آنان که روزنامه می خریدند در کافه ها، خانه ها و قرائت خانه ها (reading rooms) برای دیگران روزنامه می خواندند و درباره آخرین خبرها و تحولات با هم بحث می کردند. پروفیسورها و معلم ها هم از گزارش های روزنامه ها برای دروس و سخنرانی های خود استفاده می کردند.

ارتقای سطح سواد و آموزش منجر به استقبال بیشتر از روزنامه ها شد و مردم برای هزینه کردن در مورد رسانه ای که عطش آن ها را نسبت به اطلاعات فرو می نشاند، رغبت و تمایل بیشتری از خود نشان دادند. حدود سال ۱۸۰۰ بود که Hamburger Unpartheyische Correspondent برای خود ۵۱ هزار مشتری دست و پا کرد. چهارهزار نسخه از این روزنامه هامبورگی که برای اروپایی ها به یک منبع معتبر خبری تبدیل شده بود، به کشورهای ماورای بحار ارسال می شد و این روزنامه توانست نخستین روزنامه نگارانی را که فقط از طریق روزنامه نویسی امرار معاش می کردند، گرد خود جمع کند.

۱۸۰۰۰ روزنامه در جهان:

در پیشروی پیروزمندانه روزنامه‌ها که چهار قرن است ادامه دارد، نه تنها روش‌ها و فرایندهای تولید دستخوش تغییر شده، بلکه خود روزنامه‌ها نیز دچار دگرگونی‌های اساسی شده‌اند.

روزنامه‌ها از همان روزهای اولیه که خبرهایشان را پستی‌ها می‌آوردند و بدون ویرایش و کنترل و افزودن تحلیل و تفسیر در استراسبورگ به چاپ می‌رساندند، به تدریج به سوی تبدیل شدن به رسانه‌های جمعی حرکت کردند تا رسانه‌هایی باشند که از آزادی مطبوعات در سراسر جهان دفاع می‌کنند، با تحولات عظیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در طول قرن‌ها همگام بوده و گاه به این تحولات شکل هم داده‌اند.

روزنامه در چهارصدمین سال تولد خود به رسانه‌ای تبدیل شده است که از جنبه شیوه‌های عرضه روزنامه‌نگارانه مطالب بسیار ثروتمند است، بسیار آسان خوانده می‌شود، از تصاویر و صفحه‌آرایی مطلوب برخوردار شده و بیش از یک میلیارد نسخه از آن در ۲۰۰ کشور حضور دارد و در زمانی که این مقاله نوشته می‌شود، انجمن جهانی روزنامه‌ها ۱۸ (WAN) هزار روزنامه از سراسر جهان را نمایندگی می‌کند و این در حالی است که ۶۵۰۰ مورد از آن‌ها هم جزو روزنامه‌های یومیه هستند.

روزنامه در عصر اطلاعات:

روزنامه‌ها اکنون مدتی است که از سوی رادیو، تلویزیون و اینترنت به چالش کشیده شده‌اند. اما با این همه هنوز فرجام تیره و تاری که برای روزنامه‌ها پیش‌بینی می‌شد، رقم نخورده است.

روزنامه‌های الکترونیک و چاپی اکنون به طرز مسالمت‌آمیزی با یکدیگر زندگی می‌کنند و هیچگاه کمیت چاپ به اندازه امروز نبوده است. اما با این همه، بسیاری از روزنامه‌ها و به ویژه در سال‌های اخیر در کشورهای صنعتی غرب دچار افت درآمد و از دست دادن خوانندگان خود شده‌اند. آگهی‌ها به سوی اینترنت سرازیر شده و نسل شیفته اینترنت هم رو به گسترش است. آیا روزهای پرشکوه روزنامه‌ها رو به پایان است؟

منابع:

- ۱- مارتین، قدرتهای هان مطبوعات ترجمه م قائد، تهران، نشر مرکز ۱۳۷۲
- ۲- طباطبایی، محیط، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، موسسه انتشارات بعثت ۱۳۷۵
- ۳- قاسمی، فرید، تاریخ روزنامه نگاری ایران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹
- ۴- شیرازی (کازرونی)، میر صالح، گزارش سفر، به کوشش همایون شهیدی، تهران، راه نو ۱۳۶۴
- ۵- هدایت، مهدی قلی (مخبر السطنه)، خاطرات و خطرات، تهران، انتشارات زوار، چاپ چهارم ۱۳۷۵
- ۶- معتمدنژاد، دکتر کاظم، جهان سوم در برابر سلطه ارتباطی و اطلاعاتی غرب، تهران، رسانه سال دوم، شماره یکم، بهار ۱۳۷۰
- ۷- معتمدنژاد، دکتر کاظم، وسایل ارتباط جمعی، جلد یکم، تهران، انتشارات علامه طباطبایی ۱۳۷۱
- ۸- فلور، ملوین، ای وینس اورت، شناخت ارتباطات جمعی ترجمه سیروس مرادی زیر نظر دکتر ناثر باهنر، تهران، انتشارات دانشکده صدا و سیما ۱۳۸۷
- ۹- افشار مهاجر، کامران، گرافیک مطبوعاتی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷
- ۱۰- زارعیان، داود، مبانی کلی ارتباط جمعی، انتشارات کارگزار روابط عمومی، تهران، ۱۳۸۲

۱۱- طباطبایی، محیط، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۵

۱۲- قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۸۰